



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرفه بريته محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الأرضين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

اللهم وصل على أوليائهم المعترفين بمقامهم، المتبعين منهجهم المقتفين آثارهم، المستمسكين بعروتهم، المتمسكين بولايتهم، المؤتمين بإمامتهم، المسلمّين لأمرهم، المجتهدين في طاعتهم، المنتظرين أيامهم، المادين إليهم أعينهم. پس از اينکه امام عليه الصلاة و السلام امامت را بيان کردند و درود فرستادند بر ائمه عليهم الصلاة و السلام به ترتيبی که خوانده شد، الآن نسبت به اهل ولايت، حضرت اظهار عنايت می کنند.

اللهم وصل على أوليائهم:

این عبارت به این ترتيب هست که اوصافی را برای اهل ولايت ذکر می کنند. و ذکر این اوصاف در این فرازی که خوانده شد برای اهل ولايت، از قبيل تعليق حکم است بر وصف. که اگر این وصف نباشد، این حکم منتفی می شود و يا محل اشکال می شود.

مثالش در قرآن مجيد فراوان است. یکی از مثالها در این مورد این آیه مبارکه است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» تا آخر آیه مبارکه. شما که امت پیغمبر اسلام هستید بهترین امم هستید. بهترین اقوام هستی به جهت آنکه «آیه را داریم ترجمه می کنیم» به جهت آنکه «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» تا آخر آیه.

پس این خیریت منوط شد به چی در این آیه مبارکه؟ منوط شد به امر به معروف و نهی از منکر تا آخر آیه مبارکه. این فرازی است از صحیفه سجّادیه که امام سجّاد عليه الصلاة والسلام اهل ولايت را، شیعیان را دعا می کنند. اللهم وصل على أوليائهم.

اما در ادامه می فرمایند: المعترفين بمقامهم، المتبعين منهجهم المقتفين آثارهم تا آخر فراز که خواهیم خواند، از قبيل «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» است.

اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم امتشان خیر الامم هست، «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». که اگر این چنین نباشد خیریت منتفی می شود و يا محل شبهه خواهد شد.

در اینجا هم حضرت فرمودند: اللهم وصل حضرت درود می فرستند. بر چه کسانی؟ آن اولیایی که این چنین اند این چنین و این چنین و این چنین.



صل علی اولیائهم، اولیاء جمع ولی است. یعنی آن کسی که نسبت به ائمه اطهار علیهم الصلاة و السلام اعتقادش این چنین است: امام اولی است از من بر من. امام واجب الاطاعة می باشد مطلقاً و حرام است معصیت امام مطلقاً. این معنای ولایت است.

پس آنهایی که این اعتقاد را دارند مورد دعای امام سجاد علیه الصلاة و السلام می باشند. این از حیث اعتقاد. دقت کنید که نتیجه چطور می شود. از حیث اعتقاد این چنین باید باشد مؤمن نسبت به اهل بیت علیهم الصلاة و السلام. بعد می فرمایند: المعترفین بمقامهم. این مقاماتی را که برای اهل بیت علیهم الصلاة و السلام در این چند شب خوانده ایم، مؤمن بایستی اقرار کند به این مقامات و اعتراف کند و بر زبان بیاورد و جاری کند بر زبان خود. لذا اعتقاد لازم است و اظهار این اعتقاد هم لازم می باشد. این دوم. اما سوم:

المتبعین منهجهم: مؤمن باید عملاً پیرو راه اهل بیت علیهم الصلاة و السلام باشد در مقام عمل. بنابراین امام علیه الصلاة و السلام دعا کردند چه کسی را؟ مؤمنی را که اعتقاداً ایمان دارد و اقرار می کند به آنچه که ایمان دارد و عمل می کند به آنچه که ایمان دارد. اگر اینگونه باشیم مورد دعای امام سجاد علیه الصلاة و السلام خواهیم بود. به نحوه گفتار توجه فرمایید: المعترفین بمقامهم. اعتراف یعنی اقرار یعنی بر زبان جاری کردن آن ایمان و اعتقادی را که انسان دارد بر زبان جاری سازد و اظهار نماید. این از نظر قول.

اما از نظر عمل: المتبعین منهجهم. بایستی به دنبالشان برویم در مقام عمل طبق منهجشان عمل نماییم. پس اعتقاد است و عمل است و اقرار.

منهجی که ائمه اطهار علیهم الصلاة و السلام دارند، منهج نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است. همان منهج خداوند است که خواندیم آیه مبارکه را: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجاً». و منهج خداوند متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم الصلاة و السلام، غیر از منهج دیگران است. پس عملاً مطابق این منهج باید حرکت کنیم. آن منهجی که از خداوند متعال بوده و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ابلاغ کرده اند آن منهج را. و خودشان هم عملاً پیاده کردند «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَاجاً».

و از آن طرف «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ». این منهج، منهج مستقیمی است. انحراف به یمن و یسار ندارد. در جلسه گذشته روایات امام رضا علیه الصلاة و السلام را خواندیم که فرمودند: إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَ شَمَالًا فَالْزَمِ طَرِيقَتَنَا، فَانَّ مِنْ لَزْمِنَا لَزْمِنَاهُ وَ مِنْ فَارَقْنَا فَارَقِنَاهُ. پس اگر کسی پرسید که اهل ولایت چه کسانی هستند؟ می گوئیم: اهل ولایت آن کسانی هستند که از نظر اعتقادی اعتقاد دارند به اولویت امام از خودشان بر خودشان و از نظر عملی مطابق منهج و روش اهل بیت علیهم الصلاة و السلام حرکت می کنند. و این معنا را اظهار می کنند و اقرار می کنند به



این اعتقاد. این تا اینجا که خود یک مطلبی است. خود همین مقدار فی نفسه مطلبی بسیار مهم است. حال خودمان را باید بسنجیم.

آنچه که مسلم است قدر متیقن است این است که ما اهل بیت علیهم الصلاة و السلام را بر حق می دانیم و منهجشان را بر حق می دانیم غیر از آن را باطل می دانیم. این قدر مسلم است از نظر اعتقاد.

و از نظر محبت اهل بیت علیهم الصلاة و السلام هم همه ما از نظر محبت با اختلاف مراتبی که هست همه ما محب اهل بیت علیهم الصلاة و السلام هستیم. باقی می ماند تبعیت عملی. باقی می ماند المتبعین منهجهم. که در این جهت بیشتر باید حواسمان را جمع کنیم و بیشتر باید مراقبت کنیم از خودمان تا واقعاً بر ما صدق بکند عنوان المتبعین منهجهم.

المستمسکین بعروتهم: فرق است بین ما و دیگران همانطور که اشاره کردم در همین است که ما در اعتقاد تمسک داریم به اهل بیت علیهم الصلاة و السلام. نمی خواهیم جدا بشویم از اهل بیت علیهم الصلاة و السلام. و تمسک به دیگران نداریم. بلکه احترام به دیگران هم نمی کنیم و راه همین راه است. و قرآن هم راه را برای ما نشان داده است که: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَأَ انْفِصَامَ لَهَا».

بنابراین اهل ولایت این چنین اند که همراه اهل بیت علیهم الصلاة و السلام هستند در اعتقاد و متعلق اند به اهل بیت علیهم الصلاة و السلام و مستمسک هستند به اهل بیت علیهم الصلاة و السلام و مفارقت با اهل بیت علیهم الصلاة و السلام را حاضر نیستند و جدا شدن از اهل بیت علیهم الصلاة و السلام و افتادن در خط دیگران.

اگر اهل ولایتی بر سر دوراهی قرار بگیرد و او را مختار کنند، راهی جز راه اهل بیت علیهم الصلاة و السلام را اختیار نمی کند. اهل بیت علیهم الصلاة و السلام و شیعیان شان.

المؤمنین بامامتهم: باز همان است که الآن عرض کردم که اهل ولایت بایستی اقتدا کنند به ائمه اطهار علیهم الصلاة و السلام.

الآن شما در نماز جماعت چه می کنید؟ وقتی وارد مسجد شدید و در نماز جماعت شرکت کردید و ملتحق شدید به نماز جماعت، اگر امام ایستاده باشد شما هم می ایستید اگر در رکوع برود شما هم به دنبال امام به رکوع می روید و اگر به سجده برود شما هم به دنبال امام به سجده می روید. به این می گویند اقتدا کردن به امام و ما با این کارمان به امام جماعت اقتدا می کنیم.

وقتی ما مقلد مرجع تقلید می شویم یعنی چه؟ یعنی فتاوی او را ملتزم هستیم. در مقام عمل پیاده می کنیم و مطابق فتاوی مرجع تقلید عمل می نماییم. شیعی و اهل ولایت نسبت به ائمه اطهار علیهم الصلاة و السلام باید اینگونه باشد.



اقتدا کردن و ماموم بودن و مقتدی بودن به هر آنچه که انجام می‌دهند انجام بدهیم و هر آنچه را که گفتند نکنیم، نکنیم. تابع بودن مطیع بودن مقتدی بودن. به هر لفظی که بفرماید معنا یکی است.

المسلمین لأمرهم: تسلیم بودن در برابر اهل بیت علیهم الصلاة و السلام. راستین بودن در برابر ولایتشان. تسلیم بودن را معنا کردیم و گفتیم که مقام تسلیم بالاتر از مقام رضا است.

یک وقت انسان رضایت دارد به نسبت به مطلبی اما تسلیم نیست. راضی است اما در عین حال سؤال می‌کند به چه دلیل؟ در مقام تسلیم جایی برای طلب دلیل وجود ندارد. تسلیم بودن یعنی بی‌اختیار بودن. تسلیم بودن یعنی قبول کردن و عمل کردن بی‌چون و چرا.

المسلمین لأمرهم: آنها ولایت دارند و ما باید تسلیم ولایت باشیم. اراده‌ای در مقابل اراده‌شان نداشته باشیم. و این البته مقام بلندی است و اینکه عرض کردم قدر متیقن چی بود؟ قدر متیقن این بود که ما محب اهل بیت علیهم الصلاة و السلام هستیم قدر متیقن این است که ما اهل بیت علیهم الصلاة و السلام را بر حق می‌دانیم و دیگران را بر باطل می‌دانیم. اما در مقام عمل مراتبمان نسبت به یکدیگر مختلف است. کسانی واقعاً مطیع‌اند و رسیده‌اند به مقام تسلیم نسبت به اهل بیت علیهم الصلاة و السلام، و کسانی در مقام تسلیم نیستند که باید کوشش کنیم تا آن مقام را هم پیدا کنیم.

تسلیم یک امر مهمی است که همچنان که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار علیه الصلاة و السلام تسلیم بوده‌اند ما هم باید در مقابل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت علیهم الصلاة و السلام تسلیم باشیم و بی‌اختیار باشیم.

در جلسات قبل معنای تسلیم را بیان کردم و آیاتش را خوانده‌ام. الآن قسمی از روایات تسلیم را می‌خوانم که در کافی بابی داریم در خصوص تسلیم. لَوْ أَنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَ آتَوُا الزَّكَاةَ، وَ حَجُّوا الْبَيْتَ، وَ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ، ثُمَّ قَالُوا لَشَيْءٍ صَنَعَهُ اللَّهُ أَوْ صَنَعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا صَنَعَ خَلِيفَ الَّذِي صَنَعَ؟! خدا را قبول دارد و عبادت هم می‌کند و حج و صوم و صلوات و زکات همه این‌ها را انجام می‌دهد، اما یک کاری را پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ انجام دادند و یک دستوری را خداوند متعال داده‌اند، این شخص برمی‌گردد و می‌گوید اگر این چنین بود بهتر نبود؟ اگر آنچنان بود از آنچه که فرمودند بهتر نبود؟ چرا این کار را کردند و آن کار را نکردند؟ اگر این باشد، این خلاف تسلیم است. لَكَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ.

چقدر تفاوت کرد؟! صوم و صلاه و زکات و الی آخر را قبول دارد اما اراده خودش را اظهار می‌کند در برابر اراده خداوند. شیئی را می‌خواهد که خداوند نخواسته است و یا شیئی را که خواسته است، این آقا مشیتش تعلق نمی‌گیرد.



پس مشیّت خودش را گذاشت کجا؟ در کنار مشیّت باری تعالی. اراده خودش را در کنار اراده باری تعالی گذاشت. لَکَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ.

حضرت این آیه را می‌خواند که در خیلی از جاها که ملاحظه کنید که در خیلی از جاها در روایات اهل بیت علیهم الصلاة والسلام و چه در معارف و مبانی اعتقادی و چه در احکام شرعی در خیلی از جاها مطلب را که می‌فرمایند به آیه هم استشهد می‌نماید:

ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» اون وقت امام فرمودند: فَعَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ. تسلیم باشید اگر تسلیم نیستید، بروید و پیدا کنید. تسلیم بودن در برابر خدا و رسول صلی الله علیه وآله و سلم.

روایت دیگر که امام باقر علیه الصلاة والسلام در روایتی می‌فرمایند: إِنَّمَا كُفِّ الْأَنْسُ ثَلَاثَةً. مردم به سه چیز تکلیف شدند: مَعْرِفَةَ الْأَثَمَةِ وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ آنچه که از ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام به ما می‌رسد تسلیم باشیم. چون و چرا در کار نباشد. وَ أَلْرَدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ. اگر بین مردم اختلافی پیدا شد در امری از امور، برگردیم به در خانه اهل بیت علیهم الصلاة والسلام. این تکلیف است که كُفِّ الْأَنْسُ ثَلَاثَةً.

در روایت دیگر از امام صادق علیه الصلاة والسلام چنین آمده است: «أُتَدْرُونَ مَا التَّسْلِيمُ؟» آیا می‌دانید تسلیم چیست؟ فَسَكَّتْنَا. نمی‌دانستند چه بگویند. حضرت فرمودند: هُوَ وَاللَّهِ الْأَخْبَاتُ. یعنی انسان در برابر خدا و رسول و ائمه علیهم الصلاة والسلام حرفی نداشته باشد. آن وقت استشهد می‌کنند به این آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحَبُّوا إِلَى رَبِّهِمْ». این کسانی که این چنین باشند در برابر خداوند متعال خداوند به آنها بشارت می‌دهد «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ» آن کسانی که اهل تسلیم اند، این چنین اند.

در روایات دیگر باز واضح‌تر است از امام صادق علیه الصلاة والسلام مَنْ سَرَهُ أَنْ يَسْتَكْمِلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ، اینکه گفتم شاید ناقص باشد ولایت مان و ایمانمان، چون عملاً آنطوری که باید پیرو باشیم نیستیم. مَنْ سَرَهُ أَنْ يَسْتَكْمِلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلِ الْقَوْلَ مَنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلُ آلِ مُحَمَّدٍ. این دیگر خیلی روشن است که من دیگر حرفی جز حرف پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام ندارم. آنها هرچی که بگویند حرف من هم همان است. این هم: المسلمین لأمرهم.

المجتهدین فی طاعتهم: اهل ولایت آرام نمی‌نشینند. به آن جایی که رسیده‌اند قناعت نمی‌کنند. کار می‌کنند و زحمت می‌کشند. المجتهدین فی طاعتهم.



اگر من در مسیر اطاعت از اهل بیت و عمل به منهجشان به مرتبه پنجم رسیده ام، باید کوشش کنم تا به مرتبه ششم برسم. وقتی به مرتبه ششم رسیدم بروم به پله بالاتر پله هفتم پله هشتم و پیشرفت بکنم. *المجتهدین فی طاعتهم*. اولاً زحمت بکشم که این حالت اعتقاد را پیدا بکنم و در مرحله عمل به هر مقداری که رسیدم کوشش کنم تا به بالاتر از آن برسم.

امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام در نهج البلاغه فرموده اند: *ألا و إنَّکم لا تقدرون علی ذلك*. آن گونه که من هستم و ما هستیم شما لا تقدرون علی ذلك. آنهایی که رسیدند کم بودند در طول تاریخ لا تقدرون علی ذلك. اما و لکن *أعینونی بورع و اجتهاد، و عفة و سداد*. آنچه که من هستم نمی توانید باشید، *أعینونی بورع و اجتهاد، و عفة و سداد*. (المجتهدین فی طاعتهم).

کلام ائمه علیهم الصلاة والسلام یک کلام است. کلام ائمه علیهم الصلاة والسلام کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. کلام اهل عصمت علیهم الصلاة والسلام کلام قرآن است و همش یکی است. کسی نگوید این روایات از کجا؟ در روایات ما چنین است و اسرائیلیات است و... این حرفا حرف های کسانی است که استاد ندیده اند. این حرف ها حرف های کسانی است که شاگردی نزد اساتید نکرده اند. این حرف ها حرف های کسانی است که درس نخوانده اند.

امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام در نهج البلاغه و امام سجّاد علیه الصلاة والسلام در صحیفه سجّادیه *المجتهدین فی طاعتهم*، امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام فرمودند که: شما آنگونه که ما می خواهیم باشید. که در جلسه گذشته اشاره کردم که آنچه که ما باید باشیم مثل مؤمنی است که در مشیت یک انسان است و به هر جوری که انسان بخواهد این موم را در دستش در می آورد، و این موم بی اختیار است و در اختیار دست است. ما باید این چنین باشیم در برابر اوامر خدا و رسول صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام. که گفتیم: «طوع و اطاعت» معنایش این است. حال ما نمی توانیم اینگونه باشیم، *أعینونی بورع و اجتهاد*. آرام نشینیم و حرکت کنیم و کوشش کنیم و مراتبمان را بالا ببریم.

ما اگر بخواهیم بحث تسلیم را در اینجا مطرح کنیم، و همین روایاتی را که خواندیم شرح بدهیم، چه در اخلاق بحث تسلیم خودش بابی دارد، ما باید کوشش کنیم.

آن وقت قرآن چه فرمود؟ فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» کمکشان می کنیم راهنمایی شان می کنیم و ارائه طریق می کنیم. *المجتهدین فی طاعتهم*. باید کار کنیم. *أعینونی بورع و اجتهاد*.



و قرآن هم وعده داده است که اگر حرکت کنید و کار کنید و بخواهید ما هم شما را کمک می‌کنیم و شما را جلو می‌بریم. التفات فرمودید.

بعد می‌فرمایند: المنتظرین آیامهم: اهل ولایت چه کسانی هستند؟ آنهایی هستند که منتظر ایام اهل بیت علیهم الصلاة والسلام هستند و منتظر ایام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. که ایام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایام همه اهل بیت علیهم الصلاة والسلام است. ایام یعنی چه؟ یعنی زمان حکومتشان.

امام زمان که ظاهر شدند ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام هم تشریف می‌آورند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم تشریف می‌آورند به این عالم. در ایام حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه اهل بیت علیهم الصلاة والسلام حضور دارند. شیعیان و اهل ولایت خالصشان شریف می‌آورند.

اگر کسی اهل ولایت است بعد از این صفاتی که خواندیم منتظر ایام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. که ایام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایام اهل بیت علیهم الصلاة والسلام است. ایام خداوند متعال است همان یوم الله که می‌گویند. زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگر زمان الهی است. و زمانی است که حکومت خدا است بر همه زمین. المنتظرین آیامهم.

المادین إلیهم أعینهم: منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم و چشم به راه ایشان هستیم. می‌بینید در مهمانی، همه افراد در منزل هستند. افراد دور هم جمع هستند. اما از بین در چشمشان به ورود شخص دیگری دوخته شده است. همه در انتظار یک واردی هستند المادین إلیهم أعینهم. چشم به راه هستیم و اهل ولایت منتظر ایام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرج الشریف هستند و چشم به راه ایشان هستند. المادین إلیهم أعینهم: چشم به راه بودن. گاه به گاهی انسان نگاه می‌کند به بین در. گاه به گاهی نگاه می‌کند از پنجره به بیرون که آیا آن شخص آمد یا نه؟ اما یک وقت شخص همچنان ایستاده و چشم انتظار است. و اهل ولایت این چنین‌اند.

إن شاء الله در جلسه آینده راجع به مسئله انتظار و آنچه که لازم باشد حداقل در یک جلسه صحبت بکنم تا معلوم بشود که ما در برابر حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه وظایفی داریم و اساساً انتظار یعنی چه؟ این انتظار که یک امر قلبی و باطنی است چه اثری بر اعضا و جوارح ما می‌گذارد؟ چه تأثیری دارد و چه تحولی در ما ایجاد می‌کند؟ حداقل یک جلسه در رابطه با این موضوع عرایضی را خواهم داشت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.